

## واکاوی ضرورت تشکیل نهاد زکات در حکومت اسلامی با رویکردی بر اندیشه امام خمینی (س)

زهره خانی<sup>۱</sup>

حمیدرضا دهقان نیری<sup>۲</sup>

### مقاله پژوهشی

**چکیده:** از آنجا که حکومت‌ها برای بقای خود نیاز به منابع مالی دارند، در اسلام، زکات به‌عنوان پشتوانه مالی تشریح شد. اهمیت این واجب مالی - عبادی، به‌قدری زیاد است که در قرآن بارها در کنار فریضه نماز آمده است؛ اما پرسش اصلی اینجاست که در صورت تشکیل حکومت اسلامی، آیا ایجاد سازوکار حکومت برای تحقق این فریضه لازم است؟ این مقاله که توصیفی و تحلیلی است، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای درصدد پاسخگویی به این پرسش مهم است. از آنجا که برخی از مصارف مستحق زکات در قرآن با رویکرد حکومتی مطرح شده‌اند، نظیر تعیین کارگزاران زکات که آشکارا نشان‌دهنده تشکیلات اداری برای دریافت زکات است و یا مصرف زکات «فی سبیل الله» که شاخه‌های زیادی از جمله آبادانی و بهداشت و آموزش و امور خیر دارد و نیز مصرف زکات برای تألیف قلوب که ناظر به تقویت جبهه نظامی حکومت اسلامی است و همچنین امر قرآنی «خذ» خطاب به پیامبر (ص) در آیه وجوب زکات و نیز نصب و ارسال عاملان، ساعیان و وکیلان از سوی معصومان<sup>(ع)</sup> جهت دریافت زکات می‌توان به این نتیجه رسید که تشکیل نهادی برای زکات در حکومت اسلامی ضروری است.

**کلیدواژه‌ها:** نهاد زکات، خمس، اموال، حکومت اسلامی، امام خمینی.

۱. استادیار گروه فقه و اندیشه‌های امام خمینی، پژوهشگاه امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.  
E-mail: zohrehkhani606@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری فقه و اندیشه‌های امام خمینی، پژوهشگاه امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.  
E-mail: Dr.hr.dehghanniri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۱

پژوهشنامه متین / سال بیست و چهارم / شماره نود و پنج / تابستان ۱۴۰۱ / صص ۵۱-۲۵

### مقدمه

از آنجا که اسلام، دینی اجتماعی است و هر جامعه‌ای برای بقا به منابع مالی نیاز دارد، از آغاز ظهور اسلام، واجبات مالی از جمله زکات، تشریح شدند. اهمیت زکات به اندازه‌ای است که ۳۲ مرتبه در قرآن کریم بدان اشاره شده است به گونه‌ای که ۲۶ مرتبه آن همراه با فریضه نماز آمده است (قرآنی ۱۳۸۲: ۲۵). امام خمینی زکات را ضروری دین بر شمرده و منکرش را کافر می‌خواند (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۲۴۴). به نظر می‌رسد که در حکومت اسلامی، پرداخت و دریافت این واجب مالی، می‌تواند نقش مهمی در پیشبرد اهداف اسلام ایفا کند. لذا باید بررسی کرد که اولاً فلسفه تشریح زکات چیست و ثانیاً در زمان غیبت معصوم، به چه صورت خواهد بود؟ آیا در کشورهایی که حکومت اسلامی تشکیل داده‌اند، این واجب، واجب فردی محسوب می‌شود یا ابعاد گسترده‌تری دارد؟ آیا حاکم اسلامی، می‌تواند به‌عنوان پشتوانه اقتصادی از زکات استفاده کند؟ آیا وی مجاز است سازوکاری برای دریافت و پرداخت زکات ایجاد کند یا اینکه در روند توزیع سنتی آن، با توجه به اقتضائات زمان و مکان تغییراتی به وجود آورد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، نخست، مفاهیم تحقیق و سپس ادله حکومتی بودن زکات را بررسی می‌کنیم.

### پیشینه تحقیق

موسوی بجنوردی (۱۳۸۴) در مقاله «نقش زکات در نظام حکومت انقلاب اسلامی»، روایات زکات را بررسی نموده و به اثبات عدم انحصار متعلقات زکات و اختیارات ولی امر در قبض و بسط موارد زکوی پرداخته است و نتیجه می‌گیرد که منابع زکات، حتی نصاب و مقدار آن به اقتضای مکان و زمان به صلاح‌دید ولی امر قابل بازنگری است؛ اما از اینکه زکات نهادی مالیاتی باشد که کلیه امور مالیاتی را به عهده بگیرد، سخنی نگفته است.

کوشکی فروشانی (۱۳۹۷) در مقاله «ارائه نهاد پیشنهادی برای سازمان‌دهی و عملیاتی کردن سیاست مالیاتی زکات در کشور» ضمن پرداختن به تعیین متولی زکات در شرایط جامعه، نظام مالیاتی و معایب شیوه فعلی در مدیریت زکات را آسیب‌شناسی نموده است. وی معتقد است که احیای مجدد زکات می‌تواند بسیاری از مشکلات مالی جامعه اسلامی را در بخش تأمین اجتماعی برطرف کند. ایشان سازوکار فعلی زکات در کشور را برای

دوران فقدان حکومت دانسته و تغییر آن را امری ضروری می‌داند. این مقاله تا حدودی با پژوهش حاضر هم‌داستان است؛ اما به تبیین ادله فقهی در تشکیل نهاد زکات نپرداخته است.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. نهاد زکات

نخست مفهوم اجزای این اصطلاح که یک ترکیب اضافی است، یعنی دو واژه نهاد و زکات بررسی خواهد شد:

نهاد<sup>۱</sup> در لغت، مصدر مرخّم و اسم مصدر از ریشه نهادن است به معنای گذاشتن، سرشتن، خلقت، طبیعت و بنیان (دهخدا ۱۳۷۳ ج ۱۴: ۲۰۲۲۵ ذیل مدخل نهاد). در اصطلاح جامعه‌شناسی، نهاد، نظامی از تشکیلات، ارزش‌ها، آداب و رسوم و قوانین است که نقش آن استقرار رفتارهای مناسب برای ایفای کارکردهای اساسی در یک جامعه است (محسنی ۱۴۰۱: ۲۳۰). در اصطلاح حقوق، نهادها، سازمان‌هایی هستند که آن‌ها را مستند به قانون پدید آورده‌اند تا اداره کشور، بر دوش آن‌ها نهاده شود (جعفری لنگرودی ۱۳۷۸ ج ۵: ۳۷۰۱). در علم اقتصاد، نظام‌های مالی از نهادهای مالی و ابزارهای مالی تشکیل شده‌اند (اسماعیل‌پور ۱۳۹۲: ۲۳). از آنجا که نظام مالی اسلامی نیز شبکه‌ای از بازارهای مالی و ابزارهای مالی است که در چارچوب اصول اسلامی، وظیفه نقل و انتقال وجوه را از جایی که مازاد وجوه وجود دارد، به جایی که کمبود وجوه وجود دارد، هدایت می‌کند (اسماعیل‌پور ۱۳۹۲: ۲۳)، می‌توان گفت: نهاد، عبارت است از نظام سازمان‌یافته‌ای از روابط حقوقی، اقتصادی، اجتماعی که دربرگیرنده برخی از ارزش‌ها و فرآیندهای مشترک است و برای پاسخگویی به پاره‌ای از نیازهای اساسی جامعه به وجود آمده است.

واژه زکات از «زک و» به معنای افزایش، رشد و پاکیزگی است (صاحب بن عباد ۱۴۱۴ ج ۶۰: ۳۱۳؛ ابن فارس ۱۴۰۴ ج ۳: ۱۷؛ ابن منظور ۱۴۱۴ ج ۱۴: ۳۵۸). زکات، در اصطلاح فقه، حق ویژه‌ای است که در برخی از اموال با شروط خاصی ثابت می‌شود و ادای آن بر مالک واجب است (محقق حلی ۱۴۰۸ ج ۲: ۴۸۵؛ علامه حلی ۱۴۱۴ ج ۵: ۷) برخی زکات را خارج

ساختن مقدار معینی از مال بر پایه حکم شرعی تعریف کرده‌اند (ابن ادریس ۱۴۱۰ ج ۱: ۴۲۸، شیخ طوسی ۱۳۸۷ ج ۱: ۱۹۰؛ نراقی ۱۴۱۰ ج ۹: ۷). شیخ انصاری زکات را مقدار خاصی از مال می‌داند که با شرایطی مخصوص خارج می‌شود (انصاری ۱۴۱۵: ۳). بیشتر تعاریف به دو معنای اخراج مال (اسم معنا) و مقدار خارج شده از مال (اسم عین) برمی‌گردد. کسانی که زکات را اسم معنا می‌دانند، به آمدن کلمه زکات پس از احکام فقهی «یجب»، «یندب» استشهد کرده‌اند (نجفی ۱۴۰۴ ج ۱۵: ۳؛ کاشف الغطاء ۱۴۲۲: ۱) و کسانی که زکات را اسم عین می‌دانند، به آمدن زکات پس از مشتقات مصدر «ایتاء» در قرآن کریم و شیوه کاربرد آن در بیشتر روایات اشاره نموده‌اند (آشتیانی ۱۴۲۶ ج ۱: ۲۳). خواه زکات به معنای حق واجب در مال و قدر متیقن در مال باشد، خواه به معنای اخراج بخشی از مال برای افزایش باقی مانده مال؛ لذا می‌توان گفت زکات اندازه معین از برخی اموال است که به حدنصاب خاص رسیده باشند و فرد مسلمان باید آن میزان از اموال خود را برای مصارف لازم به مراجع دریافت زکات تحویل دهد. این اموال عبارتند از: شتر، گاو، گوسفند (انعام ثلاث)، طلا و نقره (نقدین)، جو، گندم، خرما، کشمش (غلات اربع) (نجفی ۱۴۰۴ ج ۱۵: ۷۷-۷۶). در قرآن صدقات (زکات) تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود و در [راه آزادی] بردگان، وامداران و در راه خدا و به در راه مانده، اختصاص داده شده است (توبه: ۶۰).<sup>۱</sup>

با این تعاریف روشن است، منظور از نهاد زکات، سازمان‌ها، ادارات و تشکیلاتی هستند که موظف به ساماندهی و دریافت و توزیع مبالغ زکات هستند. به عبارتی می‌توان نهاد زکات را نظام سازمان‌یافته مالی دانست که به منظور تسهیل و هدایت مبالغ زکات و پاسخگویی به کلیه امور مالیاتی اعم از جمع‌آوری، محاسبه، انتقال و باز توزیع در درون حکومت اسلامی و زیر نظر حاکم اسلامی تشکیل می‌شود.

۱. «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۶۰).

## ۲-۱. حکومت اسلامی

این اصطلاح، یک ترکیب وصفی متشکل از حکومت و اسلام است. حکومت از ریشه «ح ک م»، با حکم مترادف است. حکم در لغت به معنای عدالت، منع از ظلم، داوری، استقرار و استوار کردن آمده است (صاحب بن عباد ۱۴۱۴ ج ۲: ۳۸۷؛ ابن منظور ۱۴۱۴ ج ۱۲: ۱۴۱؛ ابن فارس ۱۴۰۴ ج ۲: ۹۱). حکم در اصطلاح قرآن، به معنای منع برای اصلاح، متمایز کردن حق از باطل و یک طرفه کردن اختلاف و قضاوت به کاررفته است (ر.ک. به: راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۲۴۸؛ عمید زنجانی ۱۳۷۳: ۱۴۸؛ قرشی بنایی ۱۳۸۴ ج ۲: ۱۶۱-۱۶۰).

اسلام در لغت، انقیاد و تسلیم شدن است. اسلام از باب افعال از «سِلم» است. سلم به معنای صحت، عافیت و دوری از هرگونه عیب، نقص و فساد، مسالمت و صلح است (ابن فارس ۱۴۰۴ ج ۳: ۹۰؛ قرشی بنایی ۱۳۸۴ ج ۳: ۲۹۹، ۳۰۱). در اصطلاح، اسلام شریعت آخرین پیامبر است. قرآن دین را اسلام و اسلام را دین کامل می‌شمارد (آل‌عمران: ۱۹). از حکومت اسلامی سه تعریف می‌توان ارائه نمود. تعریف نخست یک تعریف حداکثری است؛ یعنی حکومتی که همه ارکان آن (حاکم، قوانین و اجرای احکام) مطابق آموزه‌های دین اسلام، تعیین شده باشد. ۲. حکومتی که در آن احکام اسلامی رعایت می‌شود؛ اما الهی بودن حاکم در آن شرط نشده است. ۳. حکومتی است که در منطقه و جامعه مسلمانان شکل گرفته باشد؛ اعم از اینکه همه ارکان آن اسلامی باشد یا نباشد و اعم از اینکه احکام اسلامی در آن رعایت بشود یا نشود. شکل نخست حکومت اسلامی، معنای مدنظر این مقاله است. حکومتی که هم در آن احکام اسلامی رعایت می‌شود و هم حاکم آن الهی است و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از سوی معصوم نصب می‌شود (ر.ک. به: مصباح یزدی ۱۳۹۷: ۲۹). این نوع حکومت، یعنی حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه، از نظر برخی اندیشمندان دینی، حکومت تئوکراسی یا قانون الهی بر مردم است (منتظری ۱۴۰۹ ج ۱: ۱۰). به عبارتی حکومت اسلامی، حکومتی است که در رأس آن یک حاکم عالم به مسائل دین و دنیا وجود دارد و این نظام مشروعیت خود را از شارع و مقبولیت خود را از مردم به دست می‌آورد و وظیفه اجرا یا برنامه‌ریزی برای اجرای احکام اسلام و نیز تأمین مصالح عمومی جامعه در چارچوب شریعت را بر عهده دارد.

## ۲. تاریخچه و اهمیت تشکیل نهاد زکات

از چند دهه پیش، دریافت زکات در پاره‌ای از کشورهای اسلامی بر پایه دستورهای حکومتی و قوانین موضوعه جنبه رسمی یافت؛ از جمله در اردن، عربستان سعودی و مصر. در سودان و مالزی و پاکستان نیز در فاصله سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ قوانینی در این باره تصویب شد. در ایران به دنبال تأکید رهبر انقلاب در ۱۳۷۵ بر احیای این فریضه، ستادی در استانداری‌ها با عنوان «ستاد احیای زکات» عهده‌دار گردآوری و مصرف زکات گردید و تا ۱۳۸۲، ۱/۳ میلیارد ریال زکات گردآوری شد. در پی درخواست محسن قرائتی رئیس ستاد مزبور از مقام رهبری، مسئولیت اجرایی زکات (جمع‌آوری، مصرف و تشکیل دبیرخانه) در ۱۳۸۷ بر عهده کمیته امداد امام خمینی قرار گرفت. همچنین با تصویب قانون زکات در ۱۳۹۰ این امر سامانی درخور توجه یافت (حسینی آهق ۱۳۹۵: ۴۷۶). یکی از پژوهشگران اقتصاد اسلامی در مقایسه ستادهای زکات در ایران با تشکیلات زکات سایر کشورهای اسلامی می‌نویسد: «در کشور ما تاکنون زکات به صورت نظام‌مند جمع‌آوری، اداره و توزیع نشده است؛ در حالی که در بسیاری از کشورهای اسلامی، نهادهای مالی زکات به عنوان یکی از نهادهای مالی اسلامی در حال فعالیت هستند و به جمع‌آوری، اداره و توزیع زکات اقدام می‌نمایند. به همین دلیل ایجاد نهادهای مالی زکات در کشور ما نیز به منظور جمع‌آوری، اداره و توزیع زکات ضروری به نظر می‌رسد» (اسماعیل پور ۱۳۹۲: ۲۴). البته همان گونه که گفته شد، در کشور ما نیز تشکیلات سازمانی زکات، سیر خوبی را طی نموده است؛ اما آنچه مدنظر این مقاله است تشکیلات گسترده‌ای است که در سایر کشورهای اسلامی مذکور، نظام‌مند شده‌اند و مسئولیت دریافت و پرداخت زکات به معنای واقعی کلمه را به عهده دارند.

## ۳. فلسفه تشریح زکات

برشمردن دو صفت «علم» و «حکمت» خداوند بعد از بیان مصارف زکات در انتهای آیه ۶۰ سوره توبه، روشن می‌سازد که اصل تشریح زکات و ذکر مصارف آن، بنا بر علم و حکمت بوده است (بیات ۱۳۶۵: ۲۴). روایات بسیاری فلسفه تشریح زکات را بیان کرده‌اند (به عنوان نمونه ر.ک. به: کلینی ۱۴۰۷ ج ۳: ۴۹۶، ۴۹۸؛ شیخ مفید ۱۴۱۳ ج ۲: ۸). رفع تبعیض و شکاف طبقاتی در جامعه، اجرای عدالت، پاکیزه نمودن اموال، رشد اموال، درمان بخل، همدردی

با فقرا و تأمین نیازمندی آنان، آزمایش ثروتمندان، کمک به امر دین، حفظ اموال، محفوظ ماندن خون افراد، قرب الهی و قبولی اعمال، دریافت رحمت خاص خداوند، باز شدن گره‌ها، خاموش کردن خشم پروردگار، کفاره گناهان، مداوای بیماری، تربیت نسل پاک و گشایش و آسان شدن امور دنیوی و اخروی اشاره از این جمله است. روشن است تا زمانی که مسلمانان در کنار هم زندگی می‌کنند، این فلسفه پابرجاست و لازم است برای اجرایی کردن آن تدابیر لازم اندیشید.

#### ۴. برتری زکات بر مالیات

زکات دارای ویژگی‌هایی است که آن را از دیگر مالیات‌ها متمایز ساخته است. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها که ناظر به حکمت اصلی تمامی منابع مالی اسلام است، برپایی عدالت و ایجاد قسط در جامعه است. اهمیت برپانمودن قسط و عدل در اسلام تا جایی است که خداوند هدف از ارسال رسل و انزال کتب را برپایی عدل می‌داند (حدید: ۷). چنین جایگاهی برای زکات به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین منابع مالی اسلام، آن را از هرگونه مالیات دیگر برتری می‌دهد؛ زیرا اساس و شالوده آن، رفع فقر و تبعیض و شکاف طبقاتی در نتیجه توزیع عدل در جامعه است و از محل اعتبار زکات، جامعه‌ای مبتنی بر اخوت، برادری و برابری را شکل خواهد داد؛ اما مالیات‌های متداول بر امور گوناگون تعلق می‌گیرند، از درآمد اشخاص گرفته تا هرگونه کالا و همچنین آبونمان و انواع عوارض. هدف اصلی در مجموعه این مالیات‌ها درآمدزایی برای دولت است. لذا نگاه بیشتر مالیات‌های دولتی معطوف به میزان خرید و مصرف است تا رفع فقر و برپایی عدل. به‌عنوان مثال، دو راننده خودرو که از کنار باجه عوارض عبور می‌کنند، هر دو به‌صورت یکسان عوارض خود را پرداخت می‌کنند تا دولت بتواند برای نوسازی جاده‌ها آن را هزینه کند؛ ولی هیچ‌گاه به سطح درآمد آن دو راننده و اختلاف طبقاتی آن دو توجه نمی‌شود و صرف استفاده از خدمات جاده‌ای هر دو را به‌صورت یکسان مشمول نظام مالیاتی می‌گرداند که با هدف اسلام از زکات متعارض است. مثال دیگر خرید کالا از فروشگاه است که بر آن مالیات غیرمستقیمی به‌عنوان «مالیات بر ارزش افزوده» اخذ می‌شود، به این صورت که به میزان خرید اشخاص، مالیاتی از آن‌ها کسر می‌شود. درحالی‌که در آموزه‌های اسلام فقیر

نه تنها نباید مبلغی را به عنوان مالیات پردازد، بلکه شایسته است مالیات (زکات) نیز بستاند. ضمن اینکه مالیات شرعی پس از کسر مؤونه است؛ اما با این دو مثال مشخص شد که صرف خرید از فروشگاه یا عبور از کنار باجه عوارض مالیاتی یکسان برای غنی و فقیر به وجود می‌آورد و به عبارت دیگر، مالیات‌ها رابطه مستقیمی با میزان مصرف از خدمات جاده‌ای یا میزان خرید از فروشگاه و موارد مشابه دارند. در حالی که مالیات‌ها در اسلام با میزان توانمندی مالی افراد نسبت مستقیمی دارند؛ زیرا چه بسا فرد فقیر به دلیل تعداد بیشتر افراد خانواده یا به دلیل نیازهای دیگر ناچار به خرید بیشتری استفاده و مصرف بیشتر شده باشد. این مثال‌ها نشان می‌دهد که هدف اصلی از مالیات‌های دولتی لزوماً فقرزدایی از سطح جامعه نیست و هرچند در مواردی ممکن است عدالت را تأمین کنند؛ اما به صورت ریشه‌ای عدالت را تأمین نخواهند کرد و شالوده آن مبتنی بر رفع فقر در جامعه نیست.

### ۵. آرای فقهی در نحوه هزینه کرد زکات

برای توزیع زکات و رساندن آن به مستحقان زکات، راه‌هایی پیش‌بینی شده است. یکی اینکه فرد زکات دهنده خود بدون هیچ واسطه‌ای ارقام را به دست مصرف‌کننده برساند و دیگر اینکه به فقیه یا امام معصوم پردازد و ایشان بین مستحقین توزیع کنند. فقها در این خصوص سه دیدگاه متفاوت دارند.

#### ۱-۵. جواز توزیع زکات به وسیله زکات دهنده

مشهور فقهای امامیه بر این نظرند که در مصرف زکات رجوع به امام و حاکم اسلامی ضرورتی ندارد و هر شخص مسلمان که زکات بر او واجب می‌شود، هنگامی که دارایی‌هایش به حد نصاب می‌رسد، مجاز است که عین زکویه را از مال خود جدا نموده و در راه‌های تعیین شده شخصاً به فرد مستحق بدهد تا به این واجب الهی عمل نماید. در این صورت واجب مالی زکات از وی ساقط خواهد شد و بریء الذمه خواهد بود (سید مرتضی ۱۴۰۵ ج ۳: ۸۰؛ شیخ طوسی ۱۳۸۷ ج ۱: ۲۴۴؛ محقق اردبیلی ۱۴۰۳ ج ۴: ۲۵۰؛ محقق کرکی ۱۴۱۴ ج ۳: ۳۷)؛ لکن اگر امام ظاهر باشد یا آن کس که امام او را نصب نموده در دسترس باشد، مستحب است



زکات نزد او برده شود تا آن را میان اصناف هشتگانه<sup>۱</sup> توزیع نماید (ابن ادریس ۱۴۱۰ ج ۱: ۴۵۸). محقق حلی با برشمردن سه نفر که متولی اخراج زکات هستند و عبارتند از امام، عامل و مالک می نویسد: «مالک مجاز است که سرپرستی پخش زکات را خود یا وکیلش بر عهده گیرد، ولی بهتر است که به امام بپردازد» (محقق حلی ۱۴۰۸ ج ۱: ۱۵۲). شهید ثانی پس از ذکر قول وجوب پرداخت به فقیه می گوید: «در صورت سختی دسترسی به امام و ساعی به فقیه مورد اعتماد (مأمون) پرداخت شود و مشهور قائل به استحباب پرداخت به فقیه هستند؛ زیرا او به جایگاه‌های زکات بیناتر و به مواضع زکات آگاه‌تر است» (شهید ثانی ۱۴۱۳ ج ۱: ۴۲۵). صاحب جواهر در این زمینه چنین می نویسد: «مالک مجاز است که آنچه را بر او واجب شده خود یا به واسطه کسی که وکیل نموده، توزیع نماید؛ ولی با همه این‌ها، شکی نیست در اینکه اولویت این است که در صورت امکان آن را به امام یا نایبش تحویل دهد. این‌ها همه در تحویل ابتدایی است؛ اما چنانچه امام یا ساعی امام، زکات را طلب کند، بدون هیچ اختلاف و اشکالی واجب است که آن را به امام پرداخت کند» (نجفی ۱۴۰۴ ج ۱۵: ۴۱۶)؛ بنابراین در صورتی که امام مطالبه کند، ولی مالک، زکات خود را به صورت شخصی، به مستحق پرداخت نماید، واجب مالی زکات از وی ساقط نخواهد شد و واجب است که یک‌بار دیگر به وی زکات خود را پرداخت نماید. از عبارتهای فوق، استفاده می‌شود که حتی فقهایی که به جواز رساندن زکات به وسیله زکات دهنده به فرد مستحق فتوا داده‌اند، اولاً نسبت به تحویل ابتدایی به امام یا نماینده امام، قائل به استحباب شده‌اند و ثانیاً در صورتی که امام و یا فقیه مطالبه نماید، پرداخت به او را واجب دانسته‌اند.

## ۲-۵. وجوب پرداخت زکات به معصوم یا فقیه

دیدگاه دوم حاکی از وجوب پرداخت زکات از سوی زکات دهنده به فقیه است. قاضی نعمان، پس از اشاره به سیره پیامبر و جانشینان آن حضرت در دریافت زکات، به روشنی حکومتی بودن زکات را یادآور می‌شود و دلیل پرداختن به حاکمان در برخی از زمان‌ها را ظالمانه بودن حکومت‌ها دانسته است؛ بنابراین، به نظر وی اگر حکومتی صالح و عادل بود

۱. اشاره دارد به اصناف هشتگانه‌ای که در آیه ۶۰ سوره توبه آمده است.

باید زکات را به او پرداخت (ابن حیون ۱۳۸۵ ج ۱: ۲۵۷). شیخ مفید بر این باور است که زکات مال و فطره در زمان حضور در اختیار ائمه و در زمان غیبت، در اختیار فقیه جامع الشرایط قرار می‌گیرد (شیخ مفید ۱۴۱۳: ۲۵۲). ابوالصلاح با همین رأی معتقد است تنها اگر پرداخت به هیچ‌کدام امکان نداشت مکلف می‌تواند خود مال زکات را در موارد آن مصرف کند (حلی ۱۴۰۳: ۱۷۲)؛ قطب راوندی، بر این باور است که چنانچه مسلمانی زکات مال خود را بدون اجازه امام پرداخت کند، امام می‌تواند دوباره از او زکات بگیرد؛ زیرا بر مکلف واجب بوده زکات را به امام بپردازد نه به دیگری (راوندی ۱۴۰۵ ج ۱: ۲۲۸).

### ۳-۵. تفکیک میان دوره حضور یا غیبت معصوم

دیدگاه سوم مربوط به فقهای است که میان زمان حضور و غیبت امام تفکیک نموده‌اند. تعدادی از این فقها بر این باورند که حتی در صورت مطالبه فقیه در دوران غیبت، پرداخت زکات به فقیه مستحب است نه واجب (نجفی ۱۴۰۴ ج ۱۵: ۴۲۳؛ طباطبایی حکیم ۱۳۹۰: ۳۱۳) امام خمینی در این باره می‌نویسد: «بهتر بلکه احوط این است که زکات در عصر غیبت به فقیه داده شود، به‌ویژه هرگاه که آن را مطالبه نماید؛ زیرا فقیه آشناتر به جایگاه‌های زکات است، هرچند نظر قوی‌تر در عدم وجوب (پرداخت به فقیه) است؛ مگر اینکه فقیه حکم (حکومتی) دهد به اینکه زکات برای مصلحت اسلام و مسلمین به او تحویل شود که در این صورت پیروی از فقیه واجب است؛ هرچند مقلد او نباشد» (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۲۶۸). بنابراین، ایشان در دوره غیبت قائل به استحباب شده است و در مواردی که یک فقیه مصلحت ببیند که به او پرداخت شود واجب دانسته است؛ اما به نظر می‌رسد که این دیدگاه ناظر به شرایط مبسوط‌الید بودن فقیه و تشکیل حکومت نیست. وی در جای دیگر پس از بیان این مطلب که خمس، حقّ‌والی است می‌نویسد: «همان‌گونه که امر کلیه زکات‌ها در اختیار فقیه حاکم در دوره خود است، برحسب آنچه مصلحت می‌بیند، سهم‌ها را در مصارف برشمرده قرار می‌دهد» (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۶۶۹).<sup>۱</sup> بنابراین نمی‌توان گفت دو دیدگاه امام خمینی با هم در تعارض است بلکه دیدگاه نخست

۱. «كما أنّ امر الزکوات بیده فی عصره يجعل السهام فی مصارفها حسب ما یری من المصلح».

مبتنی بر تفکیک میان زمان حضور و غیبت است و دیدگاه دوم وی ناظر به اختیارات والی در دوره غیبت است در شرایطی که فقیه بر مسند امر بنشیند و متولی امور حکومت گردد.

## ۶. ادله حکومتی بودن زکات

فریضه زکات، هرچند تکلیفی است که شرع بر عهده مکلفان قرار داده است، ولی یک پرداخت فردی صرف نیست و می‌توان گفت در جامعه اسلامی شأن حکومتی دارد؛ بدان معنا که مرجع دریافت و توزیع آن حکومت است که با مصلحت سنجی خود، زکات را از مردم دریافت کرده و در رفع فقر و مصالح عموم جامعه اسلامی هزینه کند. این ادعا با ادله ذیل به اثبات می‌رسد.

### ۱-۶. امر شارع به پیامبر (ص) در اخذ زکات

در آیه ۱۰۳ سوره توبه ضمن بیان حکم وجوب زکات، خداوند خطاب به پیامبر (ص) چنین امر کرده: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» به عبارتی روی سخن خداوند به ولی امر مسلمانان است که دستور داده از اموال مسلمانان زکات بگیر. چنین نیست که به مسلمانان خطاب شده باشد، به افراد خاصی زکات بدهند. فعل «خُذْ» در آیه نیز، فعل امر است و بر اساس علم اصول فقه، فعل امر ظهور در وجوب دارد (موسوی بجنوردی ۱۳۷۹: ۳۵-۳۲). لذا امر «خُذْ» ظهور در وجوب اخذ زکات اموال مردم به وسیله حاکم فقیه جامعه اسلامی دارد و حاکی از وجوب الزام مردم به پرداخت زکات از طرف حاکمیت است.

### ۲-۶. اختصاص دادن زکات به کارگزاران جمع آوری

آیه ۶۰ سوره توبه با استعمال لفظ «انما» مصارف زکات را منحصر در موارد نامبرده می‌داند. یکی از گروه‌های مستحق زکات، کارگزاران زکات نام دارند. در سیره آمده است که پیامبر اکرم (ص) مأمور به اخذ زکات از مالکان اعیان زکوی بود و چنانچه سران برخی از قبائل از دادن آن ممانعت می‌کردند با جنگیدن آن‌ها را ملزم به پرداخت می‌کرد (ابن هشام ۱۴۲۸: ۵۰۶؛ احمدی میانجی ۱۳۹۵ ج ۱: ۳۴۲). پس از نزول آیات زکات (همچون توبه: ۱۰۳) پیامبر اکرم (ص) وجوب پرداخت آن را به مردم اعلام کرد و پس از مدتی، کارگزارانی را برای گردآوری

زکات تعیین کرد و نزد قبائل مختلف فرستاد. از افرادی که در زمان پیامبر اکرم (ص) مأمور جمع‌آوری زکات شدند، می‌توان به معاذ بن جبل، عباد بن صامت، بشر بن سفیان، ولید بن عقبه بن ابی معیط و قیس بن سعد اشاره کرد (حسینی آهق ۱۳۹۵: ۴۷۱). حضرت علی (ع) نیز، مخنف بن سلیم را به منصب عاملیت برای صدقات (مبالغ زکات) قبیله بکر بن وائل گماشت و برای او عهدنامه‌ای نوشت (ابن حیون ۱۳۸۵ ج ۱: ۲۵۹). عبدالرحمن بن حجاج و اسحاق بن عمار از نمایندگان امام کاظم (ع) بودند که اختیاراتی در تقسیم زکات داشتند (ر.ک. به: اخلاقی و صفری فروشانی ۱۳۹۳: ۲۱۸). صفوان بن یحیی که اهل کوفه و از اصحاب اجماع بود، از وکلای مالی امام رضا و امام جواد (ع) بود (مقدسی ۱۳۹۷: ۳۲۷)؛ بنابراین از یک سو معرفی کارگزاران به‌عنوان یکی از حقوق‌بگیران صندوق زکات در قرآن کریم بیانگر آن است که اولاً مقادیر زکات، به قدری است که صندوق زکات می‌تواند حقوق کارمندان و کارگزاران زکات را تأمین نماید. ثانیاً: گسترده‌گی کار توزیع زکات به حدی است که کارگزاران به دلیل حجم کار، لازم است شبانه‌روز مشغول جمع‌آوری و محاسبه باشند و دیگر عملاً فرصت کار دیگری ندارند که از آن درآمدزایی کنند. لذا فقها تأکید کرده‌اند که حتی اگر آنان ثروتمند باشند، باز مستحق زکات هستند (نجفی ۱۴۰۴ ج ۱۵: ۳۳۳؛ امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۲۶۳)؛ و از سوی دیگر، تعیین و فرستادن عاملان، نمایندگان و وکلا از طرف امامان، نشان‌دهنده این است که یک سازوکار مالی زیر نظر امام به‌عنوان حاکم اسلامی، باید وجود داشته باشد تا مبالغ زکات را محاسبه و دریافت کنند.

### ۳-۶. تفسیر «فی سبیل الله» به مصالح عمومی کشور

انحصار مصارف زکات در موارد هشتگانه با ادات حصر «انما» در آیه ۶۰ سوره توبه بیانگر آن است که زکات نمی‌تواند خارج از این مصارف مصرف شود. در کنار این حصر، دایره شمول معنایی «فی سبیل الله» به قدری وسیع است که می‌تواند هر یک از مسائل مالی جامعه اسلامی را پوشش دهد. روایتی از امام موسی کاظم (ع) وجود دارد که «فی سبیل الله» را در همه راه‌های خیر تفسیر می‌کند (شیخ طوسی ۱۴۰۷ ج ۴: ۵۰). امام خمینی در این زمینه می‌نویسد: «بعید نیست که این مصرف، مصالح عمومی مسلمانان و اسلام را شامل شود. همانند ساختن پل‌ها و ایجاد راه‌ها و خیابان‌ها و عمران آن‌ها و هر آنچه به‌واسطه آن تعظیم

شعائر و برتری کلمه اسلام یا دفع فتنه‌ها و مفسده‌ها از کیان اسلام، حاصل می‌شود» (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۲۶۴). در نتیجه می‌توان هرگونه آبادانی، توسعه، تولید و آموزش و هرگونه تعظیم شعائر و امثال آن که اولاً از مصالح عمومی جامعه اسلامی است و ثانیاً به پیشرفت، تقویت و عزتمندی جامعه اسلامی کمک می‌کند، مندرج تحت این عنوان دانست.

#### ۴-۶. جنبه حکومتی سایر مصارف

همان‌گونه که اشاره شد، تأمین هزینه‌هایی همچون تألیف قلوب کفار، آزادی بردگان، نجات در راه ماندگان از محل مبالغ حاصل از زکات، درگرو یک تشکیلات منظم است. هرچند ممکن است صرف آن به صورت فردی نیز قابل انجام باشد؛ ولی پرداخت فردی هیچ‌گاه به گونه گسترده جبهه‌های نظامی، فرهنگی و اجتماعی اسلام را حمایت نخواهد کرد، ضمن اینکه با پرداخت فردی زکات، نظم و یکپارچگی جامعه اسلامی نیز مختل شده و حمایت‌های موازی نسبت به برخی نیازمندان و بی‌توجهی نسبت به برخی دیگر صورت می‌گیرد. بعضی فقها سهم «مؤلفه قلوبهم» را در زمان نبودن امام ساقط دانسته‌اند (شیخ طوسی ۱۴۰۰: ۱۸۵)؛ ولی امام خمینی قائل به عدم سقوط آن است: «مؤلفه قلوبهم کفاری هستند که مراد، الفت آنان به اسلام باشد یا مسلمانانی که عقایدشان ضعیف است، پس به آن‌ها زکات پرداخت می‌شود تا دل‌هایشان الفت یابد و ظاهر این است که این مصرف در این زمان ساقط نیست» (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۲۶۳). با توجه به عبارت فوق، حمایت مالی از جبهه‌های نظامی، از صندوق زکات صورت می‌گیرد؛ و همان‌گونه که تألیف قلوب کفار، باعث می‌شود که جبهه نظامی اسلام تقویت شود، آزاد نمودن بردگان و نجات در راه ماندگان و پرداخت بدهی بدهکاران از محل اعتبار زکات، سبب می‌شود که جبهه فرهنگی اسلام تقویت شود.

#### ۵-۶. تعمیم و توسیع متعلقات زکات به وسیله حاکم اسلامی

با تغییرات زمان و پیشرفت فناوری، حرفه‌های جدیدی وارد عرصه شده و مشاغلی نظیر دامداری و کشاورزی دستخوش تغییراتی شدند. اکثر افرادی که به پرورش دام یا گیاه مشغول هستند، در روستاها زندگی می‌کنند و درآمد متوسطی دارند؛ از سوی دیگر افراد

ثروتمند بسیاری هستند که اموال فراوان دیگری دارند؛ ولی به این دلیل که مشهور فقها زکات را منحصر به نه مورد می‌دانند، خود را مشمول پرداخت زکات ندانسته و زکات آن اموال را نمی‌پردازند. از طرفی دیدگاه مشهور فقها زکات را منحصر در نه مورد: گاو، شتر، گوسفند، جو، گندم، خرما، کشمش، سکه منقوش طلا و سکه منقوش نقره می‌داند که برخی از آن‌ها در دوره فعلی یا به کلی و یا با شرایط مذکور فقهی، کارآیی ندارند. درحالی که تمامی مسلمانان بر وجوب زکات در همه دوره‌ها اجماع نموده‌اند (علامه حلی ۱۴۱۴ ج ۵: ۸). لذا بسیاری از متفکران فقه، بر این نظرند که برای دوام این واجب الهی، اگر زکات موارد مزبور نتوانست احتیاجات جامعه را برطرف کند، حاکم اسلامی می‌تواند موارد دیگری را مشمول مالیات قرار دهد و تعیین موارد و شرایط، مطابق با نظر وی خواهد بود (جعفری ۱۳۴۹: ۸۷؛ مؤمن قمی ۱۴۲۵: ۴۷۱). شهید صدر ضمن تقسیم احکام اسلام به احکام ثابت و متغیر، اقدام حضرت علی<sup>(ع)</sup> در گرفتن زکات از اسب (کلینی ۱۴۰۷ ج ۳: ۵۳۰)<sup>۱</sup> را از مصادیق احکام متغیر دانسته و می‌گوید: «این عنصر متغیر در احکام اسلام، آشکار می‌سازد که زکات به‌عنوان یک نظریه اسلامی، به مال خاصی اختصاص ندارد، بلکه ولی امر مسلمین می‌تواند بر هر چه ضروری بداند، آن را انطباق دهد» (صدر ۱۳۸۰: ۱۵۲). موسوی بجنوردی با استدلال به الفاظ این روایت (نظیر وضع - امیرالمؤمنین) می‌نویسد: این تعبیر خاص با ولایی و حکومتی بودن متعلقات زکات بسیار سازگار است (موسوی بجنوردی ۱۳۸۳: ۷). در این راستا روایتی وجود دارد که امام صادق<sup>(ع)</sup>، در پاسخ به کسی که از تعلق زکات به برنج پرسیده بود، می‌فرماید: «آن روز (زمان پیامبر) مدینه کشت برنج نداشت تا به وضع زکات در برنج قائل شوند، ولی (امروز) به آن زکات تعلق گرفته است و چگونه به برنج زکات تعلق نگیرد، درحالی که عموم خراج عراق از آن است» (حر عاملی ۱۴۰۹ ج ۹: ۶۱)؛ بنابراین از این روایت برداشت می‌شود که امام<sup>(ع)</sup> با یک استدلال عقلی به این نکته اشاره کرده که وقتی یک محصول در آن روز تا این اندازه فراوانی می‌یابد، مشمول زکات خواهد بود. همان‌طور که امام خمینی بارها به نقش دو عنصر زمان و مکان در استنباط فقیه تأکید کرده‌اند (ر.ک.

۱. «وضع امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> علی الخیل العتاق الراعیه فی کل فرس فی کل عام دینارین و جعل علی البرازین دیناراً».

به: امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۱۱۷؛ ج ۲۱: ۲۱۷). برخی فقها با استناد به آیات ۶۰ و ۱۰۳ سوره توبه، چنین استدلال کرده‌اند: از آنجا که عبارت «اموالهم» جمع مضاف است و جمع مضاف، افاده عموم می‌کند، عموم اموال مردم را شامل می‌شود و چیزی را استثنا نمی‌کند. گویا تعیین اموالی که زکات به آن‌ها تعلق می‌گیرد به شخص پیامبر به‌عنوان حاکم جامعه اسلامی، واگذار شده است (مؤمن قمی ۱۴۲۵: ۴۷۲-۴۷۱).

### ۶-۶. تعمیم زکات به خمس و سایر صدقات

برخی از فقهای معاصر دامنه شمول زکات را بیش از تعیین متعلقات جدید دانسته و معتقدند که زکات، عنوانی عام برای هرگونه درآمد مالی اعم از خمس و زکات مصطلح و انواع مالیات است (منتظری الف ۱۴۰۹ ج ۱: ۱۰). چراکه آنچه در قرآن پس از نماز آمده، مطلق واجب مالی معنی می‌دهد و مراد از آن‌ها بیان واجب مالی در مقابل واجب بدنی یعنی نماز است و طبیعتاً شامل خمس و سایر پرداخت‌ها می‌گردد (منتظری الف ۱۴۰۹ ج ۱: ۱۰)؛ زیرا خمس نیز مانند زکات، یک واجب عبادی مالی است و در کنار واجب بدنی نماز معنی می‌یابد و مورد تأکید قرآن است. هرچند در مورد خمس آیه مستقلی ذکر شده ولی سیاق آیات فوق که زکات را با «ال» جنس بیان می‌کند، شامل خمس هم می‌شود. منتظری حتی در اصطلاح فقهی زکات، برخی از انواع خمس، نظیر خمس ارباح مکاسب را مکمل یا جایگزین زکات، یا نوعی زکات می‌داند (منتظری الف ۱۴۰۹ ج ۱: ۲۸۲). بر مبنای سخن وی ائمه میانی هنگامی که ملاحظه نمودند که موارد زکات اولاً پاس‌خگو نیست و ثانیاً در اختیار حاکمان جور است و صرف تجملات و دربار آن‌ها می‌شود، چیزی به‌عنوان خمس سود کسب را وضع نمودند تا هر شخص مجبور شود یک‌پنجم سود کسب خود را در اختیار امام معصوم قرار دهد. به تعبیر ایشان امامان متممی برای زکات جعل کردند تا از مبالغ زکات جبران مافات کنند (منتظری الف ۱۴۰۹ ج ۱: ۲۸۲)؛ بنا بر این دیدگاه خمس نوعی زکات است و تفاوت در برخی مصارف زکات و خمس (تعلق خمس به سادات) موجب نمی‌شود که این دو مالیات اسلامی، دو ماهیت مجزا را تشکیل دهند. زکات به معنای پاک‌سازی اموال اعم از خمس و زکات مصطلح و هرگونه درآمد دیگر خواهد بود. منتها به درآمدهای دیگر نیز می‌بایست اولاً رنگ عبادی و تقریبی داد و ثانیاً با همان ضرباهنگ زکات مشمول نصاب و

مرور سال و شرایط دیگر قرار گیرند. اگر قرار باشد مالیاتی با رنگ و بوی نظام سرمایه‌داری که در آن ساماندهی وضع فقیران لحاظ نشده است، بلکه تنها در خدمت سرمایه‌داران و دولتمردان باشد، ایجاد شود؛ هرچند در برخی موارد، به عدالت بینجامد و شباهت‌هایی هم به مالیات‌های اسلام داشته باشد، اما از آنجاکه اساس و شاکله آن اسلامی نیست و نیز نصاب و زمان و شرایط دیگر به نحو صحیحی در نظر گرفته نشده‌اند، چنین مالیاتی نمی‌تواند ضامن عدالت مورد نظر اسلام باشد (ر.ک. به: صدر ۱۴۲۴: ۴۸-۴۵).

نکته درخور توجه اینکه در سیره امامان (ع) جانشینی خمس از زکات، صورت پذیرفته است. روایتی از امام جواد (ع) نقل شده است که ایشان، به جهت کوتاهی برخی از شیعیان از پرداخت زکات در سال‌های گذشته، در آن سال (به‌طور خاص) خمس سکه طلا و نقره را به‌عنوان جبران آن کوتاهی مقرر فرمودند (شیخ طوسی ۱۳۹۰ ج ۲: ۶۱). سند این روایت صحیح است (مجلسی ۱۴۰۶ ج ۶: ۴۰۷؛ ابن شهید ثانی ۱۳۶۲ ج ۲: ۴۴۰).

روشن است که نقره و طلا از موارد زکات است، نه خمس؛ و نیز درصد آن در زکات حدود یک‌چهارم است که خیلی کمتر از ضریب خمس (یک‌پنجم) است. از همین جا مشخص می‌شود که خمس و زکات در برخی موارد و حداقل در اختیارات حاکمیتی قابل جانشینی نسبت به هم هستند. هنگامی که امام یا حاکم اسلامی مرجع دریافت مالیات اسلامی می‌شود، برای او این اختیار حکومتی وجود دارد که یک سال به‌منظور جبران کوتاهی‌های سالیان گذشته از سوی مردم، با ضریب یک‌پنجم زکات را بستاند؛ و نیز منابع زکات را به یک منبع محدود سازد. از این روایت سه نکته به دست می‌آید: ۱. خمس و زکات با اختیارات حاکمیتی قابل جانشینی با یکدیگر هستند. ۲. درصدهای ذکر شده در زکات، جنبه همیشگی ندارد و ممکن است به صلاح‌دید منصب امامت و امارت، تغییر یابد. ۳. انحصاری در منابع نه‌گانه زکات وجود ندارد؛ به‌گونه‌ای که نتوان از نه مورد مواردی را کم نمود یا به نه مورد مواردی را افزون نمود. افزایش یا کاهش موارد در اختیار حاکم اسلامی و ناظر به شرایط جامعه است. اگر امام ملاحظه نمود که در یک سال، سکه طلا و نقره در دست مردم فراوان است، همان را ملاک برای زکات قرار می‌دهد و از مابقی عفو می‌نماید و اگر سال دیگر شرایط را متفاوت دید، به چیزهای دیگر و با درصدهای دیگر زکات را وضع می‌نماید.



## ۶-۷. قضای قصد قربت زکات از طرف حاکم

زکات، یک واجب عبادی و تقریبی است و نیت تعبد و امثال در صحت آن شرط است. قضای نیت قربت در زکات نیز واجب شمرده شده است. صاحب عروه قضای نیت قربت حاکم اسلامی در صورت عدم انجام آن به وسیله مکلف را واجب دانسته و می نویسد: «اگر حاکم شرع، شخصی را به پرداخت زکات واجبش مجبور کرد و آن شخص چون مجبور است نتوانست قصد قربت کند، حاکم از طرف او قصد قربت می کند» (طباطبایی یزدی ۱۴۲۰ ج ۴: ۱۵۷). منتظری با اشاره به فقره «تطهرهم و تزکیهم بها» در آیه فوق می نویسد: از آنجا که در دین اسلام، طهارت مؤدی زکات، قصد شده است، در زکات، قصد قربت شرط است و این از ویژگی های اسلام است که به واجبات مالی خود یعنی خمس و زکات رنگ عبادت و قربت زده است (منتظری الف ۱۴۰۹ ج ۱: ۹). از مطالب فوق برداشت می شود که تطهیر اموال مردم در هر دوره شأن حاکمیتی دارد و حاکم اسلامی با دریافت زکات اموال مردم، زمینه ساز شکوفایی معنوی آن جامعه فراهم می شود.

## ۶-۸. حکومتی بودن زکات در بیان امام خمینی و فقهای معاصر

در دوره معاصر با توجه به تشکیل حکومت اسلامی، فقها و محققان متعدد، به صراحت زکات (در همان معنای عامی که شامل خمس و سایر مالیات های شرعی می شود) را از امور حکومتی قلمداد نموده اند. امام خمینی، در تبیین این مسئله می گوید: «مالیات هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه ای که ریخته نشان می دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر نیست؛ بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری يك دولت بزرگ است. مثلاً «خمس» یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت المال می ریزد و یکی از اقلام بودجه را تشکیل می دهد» (امام خمینی ۱۴۲۳: ۳۱). با دقت در بیانات ایشان ملاحظه می شود که بزرگی بودجه زکات و نیز طراحی نظام اقتصادی آن بسیار وسیع تر از این است که صرفاً به رفع فقر تخصیص یابد و مصالح گوناگون دولت بزرگ اسلامی با آن قابل تأمین است؛ و حتی در رفع فقر، حاکم با کارآمدی بالاتر خواهد توانست مشکلات فقر را مرتفع سازد؛ زیرا تأمین فردی فقرا گرچه در جای خود مطلوب است؛ اما هیچ گاه به ریشه کن نمودن فقر، فساد و ظلم در حد گسترده نمی انجامد، ضمن اینکه با پرداخت فردی زکات به مستحقان،

ابعاد گسترده‌ای چون ابعاد نظامی، فرهنگی و اجتماعی تأمین نخواهد شد. ایشان در آستانه انقلاب نیز، خطاب به وزیر وقت می‌گوید: «اگر يك روزی هم ان شاء الله توانستیم و توانستید که همان مالیات اسلامی را بگیریم و آن هم کم رقمی نیست... اگر ان شاء الله توانستید، توانستیم، همین سیستم اسلامی را، که دیگر در مالیات‌ها هم هیچ احتیاج به اینکه يك چیز دیگری زائد بر آن باشد نداشته باشیم، همین خمس تمام اموال، یعنی درآمدها و بسیار عادلانه است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۲۳۴)؛ و همچنین در جای دیگر می‌گوید: «اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا کند، باید با همین مالیات‌هایی که داریم، یعنی خمس و زکات که البته مالیات اخیر زیاد نیست جزیه و «خراجات» (یا مالیات بر اراضی ملی کشاورزی) اداره شود» (امام خمینی ۱۴۲۳: ۳۲-۳۱)؛ بنابراین در نگاه امام خمینی، کلیه واجبات مالی اسلام اعم از خمس، زکات و حتی جزیه و خراج و دیگر امور، از آن حاکم اسلامی است و وی برای اداره جامعه از آن‌ها استفاده می‌کند؛ هرچند ایشان خمس (به معنای اصطلاح فقهی) را دارای مبالغ بیشتر می‌داند. منتظری، همه واجبات مالی را در حوزه اختیار حکومت اسلام می‌داند و چنین می‌نویسد: «واجبات مالی، در اختیار حکومت اسلام بود و رسول خدا (ص) عمال را برای جمع‌آوری آن می‌فرستاد» (منتظری الف ۱۴۰۹ ج ۱: ۱۱). سبحانی، زکات را به‌طور قطع از منابع مالی حکومت اسلامی می‌داند (۱۴۲۴ ج ۵: ۱).

## نتیجه‌گیری

امر خداوند به پیامبر (ص) به‌عنوان حاکم اسلامی به‌منظور دریافت اموال مردم و همچنین رویکردهای حکومتی در برشماری مصارف مستحق زکات، صراحت در نهاد بودن زکات دارد. به‌کارگیری کارگزاران زکات و پرداخت حقوق به آنان از صندوق زکات، آشکارا حکایت از وجود سازوکار اداری برای زکات از سوی حکومت اسلامی دارد. سیره معصومان (ع) در عمل به محتوای این مصرف قرآنی (نصب و ارسال عاملان، ساعیان و وکلا) ضرورت تشکیلات زکات را تقویت می‌نماید. در سایر مصارف از جمله فقرا در صورت ایجاد شبکه گسترده برای شناسایی فقیران، کارآمدی زکات را چند برابر از حالت پرداخت فردی خواهد نمود. افزون بر اینکه رویکردهای نظامی (مانند مؤلفه قلوبهم)، فرهنگی، تربیتی و اجتماعی همانند فی سبیل الله، آزادسازی بردگان، نجات در راه ماندگان) حکایت از یک شبکه

گسترده حکومتی برای حل عموم مشکلات جامعه دارد.

نهاد زکات در کشورهای اسلامی سابقه داشته و عهده‌دار کلیه شئون مالیاتی در آن کشورهاست؛ و برتری زکات بر مالیات در برخی از ویژگی‌ها اثبات گردید. برخی فقها از جمله امام خمینی قائل‌اند در دوران غیبت چنانچه حاکم اسلامی بر مسند امور باشد، پرداخت زکات به وی اولی است و در صورت مطالبه او، کلیه اختیارات زکات از آن حاکم اسلامی است. ضمن اینکه امام خمینی دارای ادله دیگری است که به اثبات فرضیه این مقاله کمک می‌کند، از جمله: الف- گستردگی مصادیق «فی سبیل الله» و جواز هزینه کرد آن برای مصالح گوناگون کشور اسلامی؛ ب- ساقط نبودن مؤلفه قلوبهم در زمان کنونی برخلاف رأی برخی فقیهان و امکان هزینه کرد آن از طرف حاکم اسلامی به منظور تقویت جبهه نظامی اسلام؛ ج- عدم شرط فقر در کارگزاران زکات که نشان از گستردگی مبالغ حاصل از زکات و نیز وسعت کارشان دارد.

بنا بر ادله مذکور، «بایستگی تشکیل نهاد زکات در حکومت اسلامی»، اثبات می‌گردد.

## منابع

- آشتیانی، میرزا محمدحسن بن جعفر. (۱۴۲۶ ق) کتاب الزکاة، با تصحیح سید علی غضنفری، علی اکبر زمانی نژاد، قم: انتشارات زهیر - کنگره، چاپ اول.
- ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد حلی. (۱۴۱۰ ق) السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵ ق) دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل السلام، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ دوم.
- ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین. (۱۳۶۲) منتقى الجمال فی الاحادیث الصحاح و الحسان، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ اول، ۳ جلدی.
- ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا. (۱۴۰۴ ق) معجم مقاییس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.

- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ ق) **لسان العرب**، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، چاپ سوم.
- ابن هشام، عبدالملك بن هشام. (۱۴۲۸) **السيرة النبوية**، بيروت: دار المعرفه، الطبعة السادسة.
- احمدی میانجی، علی. (۱۳۹۵) **مکاتیب الرسول**، با تحقیق مجتبی فرجی، قم: مؤسسه دار الحدیث العلمیه و الاسلامیه، ویراست سوم.
- اخلاقی، سیده معصومه و نعمت‌الله صفری فروشانی. (۱۳۹۳) **حیات اقتصادی امامان از صلح امام حسن<sup>(ع)</sup> تا آغاز غیبت صغری**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با مشارکت بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- اسماعیل پور، مهدی. (۱۳۹۲) **فهادهای مالی زکات**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>، چاپ اول.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۹) **تحریر الوسیله**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵) **صحیفه امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۲۳ ق) **ولایت فقیه**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوازدهم.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ ق) **کتاب الزکاة**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول.
- بیات، اسدالله. (۱۳۶۵) **منابع مالی دولت اسلامی**، تهران: مؤسسه کیهان، چاپ اول.
- جعفری، محمد تقی. (۱۳۴۹) **منابع فقه**، تهران: نشریه انجمن اسلامی مهندسين، با همکاری شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸) **ترمینولوژی حقوق**، تهران: گنج دانش، چاپ اول.
- حسینی آهق، مریم. (۱۳۹۵) «زکات»، نشریه دانشنامه جهان اسلام، شماره ۲۱.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق) **وسائل الشیعة**، قم: مؤسسه آل‌البتیت، چاپ اول.

- حلبى، ابو الصلاح تقى الدين بن نجم الدين. (۱۴۰۳ ق) الكافي في الفقه، اصفهان: كتابخانه عمومى امام اميرالمؤمنين عليه السلام، چاپ اول.
- دهخدا، على اكبر. (۱۳۷۳) لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول.
- راغب اصفهانى، حسين بن محمد. (۱۴۱۲ ق) المفردات في غريب القرآن، بيروت: دار الشاميه، چاپ اول.
- راوندى، قطب الدين سعيد بن هبة الله. (۱۴۰۵ ق) فقه القرآن، با تصحيح و تحقيق سيد احمد حسيني، قم: انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، چاپ دوم.
- سبحانى تبريزى، جعفر. (۱۴۲۴ ق) الزكاة في الشريعة الإسلامية الغراء، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ اول، دو جلدى.
- سيد مرتضى، علم الهدى (۱۴۰۵ ق) رسائل الشريف المرتضى، قم: دارالقرآن الكريم، چاپ اول.
- شيخ طوسى، محمد بن حسن. (۱۳۹۰ ق) الاستبصار فيما اختلف من الاخبار، تهران: دار الكتب الاسلاميه، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ ق) المبسوط في فقه الإمامية، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰ ق) النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، بيروت: دار الكتاب العربي، چاپ دوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ ق) التهذيب، تهران: دار الكتب الاسلاميه، چاپ چهارم.
- شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان عكبرى. (۱۴۱۳ ق) المقنعة، قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، چاپ اول.
- شهيد ثانى، زين الدين بن على. (۱۴۱۳ ق) مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلاميه، چاپ اول.
- صاحب بن عباد، اسماعيل بن عباد. (۱۴۱۴ ق) المحيط في اللغة، بيروت: عالم الكتاب، چاپ اول.
- صدر، سيد محمد باقر. (۱۴۲۴ ق) اقتصادنا، قم: پژوهشگاه تحقيقاتى شهيد صدر، چاپ اول.

- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۰) الاسلام يقود الحياة، قم: دار الصدر، چاپ اول.
- طباطبایی حکیم، سید محسن. (۱۳۹۰ ق) مستمسک العروة الوثقی، نجف: مطبعة الآداب، چاپ سوم.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم. (۱۴۲۰ ق) العروة الوثقی (تعلیق عدة من الفقهاء العظام)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الأولى.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ ق) تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت، الطبعة الاولى.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۳) فقه سیاسی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۲) خمس و زکات، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول.
- قرشی بنابی، سید علی‌اکبر. (۱۳۸۴) قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دهم.
- کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر نجفی. (۱۴۲۲ ق) أنوار الفقاهة - کتاب الزکاة، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء، چاپ اول.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق) الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۶ ق) ملاذ الأخیار فی فهم الأخبار (تصحیح مهدی رجایی)، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، چاپ اول.
- مؤمن قمی، محمد. (۱۴۲۵ ق) الولاية الإلهية الإسلامية أو الحكومة الإسلامية، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۲ جلدی.
- محقق اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ ق) مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴ جلدی.
- محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ ق) شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.

- محقق کرکی، علی بن حسین عاملی. (۱۴۱۴ ق) *جامع المقاصد في شرح القواعد*، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ دوم، ۱۳ جلدی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۷) *حکیمانه ترین حکومت*، با تحقیق و نگارش قاسم شبان نیا، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ چهارم.
- معین، محمد. (۱۳۸۶) *فرهنگ معین*، تهران: نشر زرین، چاپ سوم.
- مقدسی، یدالله. (۱۳۹۷) *سیره معیشتی معصومان*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- منتظری، حسینعلی. (الف ۱۴۰۹ ق) *کتاب الزکاة*، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، الطبعة الثانية.
- \_\_\_\_\_ (ب ۱۴۰۹ ق) *دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الاسلامية*، قم: نشر تفکر، چاپ دوم.
- موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۷۹) *علم اصول*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳) «نقش زکات در نظام حکومت انقلاب اسلامی»، *نشریه هتین*، شماره ۲۶.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ ق) *جواهر الکلام في شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵ ق) *مستند الشیعة في أحكام الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.
- Ashtiani, Mirza Mohammad Hassan bin Jafar. (2006) *Kitab alZakah* (edited by Seyyed Ali Ghazanfari, Ali Akbar Zamaninejad), Qom: Zuhair-Congreh Publications, first edition. (In Arabic)
- Ahmadi Mianji, Ali. (2015) *Schools of the Prophet*, Research: Faraji Qom: Dar Al-Hadith Al-Alamiya and Al-Islamiya Institute, third edition. (In Arabic)
- Akhlaqi, Seyida Masoumeh and Nematullah Safari Forushani. (2013) *The economic life of imams from the peace of Imam Hassan (a.s.) to the begin-*

- ning of minor occultation*, Qom: Hozva and University Research Institute; Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, first edition. (In Persian)
- Allameh Hilli, Hassan bin Yusuf. (1993) *Tazkira al-Fiqha*, Qom: Al-Bayt Foundation, first edition. (In Arabic)
  - Ardabili, Ahmad bin Mohammad. (1982) *Majma Al-Fedat wa Al-Barhan in the Guidance of the Mind*, 14 volumes, Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society, Qom - Iran, 1st, 1403 AH (In Arabic)
  - Ansari Dezfuli, Morteza bin Mohammad Amin. (1994) *Kitab al-Zakah (for Sheikh Ansari)*, in one volume, Qom: World Congress of Commemoration of Sheikh Azam Ansari, first edition. (In Arabic)
  - Baghdadi, Mofid, Mohammad bin Mohammad bin Nu'man Akbari. (1992) *Al-Maqna'a*, Qom: World Congress of Hazara Sheikh Mofid, first edition. (In Arabic)
  - Bayat, Asadullah. (1986) *Financial resources of the Islamic State*, Tehran: Kayhan Institute, first edition. (In Persian)
  - Dekhoda, Ali Akbar. (1994) *Dictionary*, Tehran, Publishing and Printing Institute of Tehran University, first edition. (In Persian)
  - Esmailpour, Mahdi. (2012) *Zakat Financial Institutions*, Tehran: Imam Sa-degh University Press, first edition. (In Persian)
  - Horr Aamili, Mohammad bin Hasan. (1988) *Al-Shia's Ways*, Qom: Al-Al-Bayt Institute, first edition. (In Arabic)
  - Hasan bin Zain al-Din (Ibn Shahid al-Thani). (1985) *Al-Jaman's collection of hadiths as-Sahah and al-Hasan*, 3 volumes, Qom: Jama'at al-Mudrasin fi Al-Hawza al-Ilami'i in Qom, Al-Nashar al-Islami Publishing House, first edition (In Arabic)
  - Halabi, Abul Salah, Taqi al-Din bin Najm al-Din. (1982) *Al-Kafi fi Fiqh*, Isfahan: Public Library of Imam Amir al-Mu'minin, peace be upon him, first edition. (In Arabic)
  - Hosseini Ahaq, Maryam. (2015) "Zakat", *Jahan Islam Encyclopaedia*, No. 21. (In Persian)



- Ibn Faris, Abu al-Hussein, Ahmad bin Faris bin Zakaria, (1983) *Mujam Maqais al-Legha*, Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of the Qom Seminary, first edition. (In Arabic)
- Ibn Idris Heli, Mohammad bin Mansour bin Ahmad. (1989) *Al-Saraer al-Hawi for Tahrir al-Fatawi*, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers, second edition. (In Arabic)
- Ibn Manzoor, Abu al-Fazl, Jamal al-Din, Mohammad bin Makram. (1993) *Lasan al-Arab*, Beirut: Dar al-Fakr for printing and publishing and distribution - Dar Sadr, third edition. (In Arabic)
- Ibn Hisham. (2007) *Al-Sirah al-Nabawiyah*, Beirut: Dar al-Marifah, 6th edition. (In Arabic)
- Jafari, Mohammad Taqi. (1970) *Sources of jurisprudence*, Tehran: Islamic Society of Engineers publication (in collaboration with publishing company), first edition. (In Persian)
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar. (1999) *Legal Terminology*, Tehran: Ganj Danesh . (In Persian)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (2000) *Tahrir al-Wasila*, Qom: Institute for editing and publishing the works of Imam Khomeini, third edition. (In Arabic)
- \_\_\_\_\_. (2006) ) *Collection of Imam Works* (22-volume series), Tehran: Imam Khomeini Publishing House, 4th edition . (In Persian)
- \_\_\_\_\_. (2002) *Velayat Faqih*, Tehran: Imam Khomeini Publishing and Editing Institute, 12th edition. (In Persian)
- Kolaini, Abu Jafar, Mohammad bin Yaqoob. (1986) *Al-Kafi (I - Islamic)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islami, 4th edition. (In Arabic)
- Majlesi, Mohammad Taqi. (1985) *Malaz al-Akhyar fi Fahm al-Akhbar* (correction by Mehdi Rajaei), Qom: Ayatollah Marashi Library, first edition. (In Arabic)
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2017) *The wisest government* (researched and written by Qasim Shaban Nia), Qom: Publications of Imam Khomeini Educational-Research Institute (RA), 4th edition. (In Persian)

- 
- Mohseni, Manouchehr. (2022) *General Sociology*, Tehran: Tahori Library, twenty-fourth edition. (In Persian)
  - Moin, Mohammad. (2007) *Farhang Moin*, Tehran: Zarin Publishing House, third edition. (In Persian)
  - Momin Qommi, Mohammad. (2004) *Al-Walayāt Ilahiya al-Islamiy or Al-Ghalwat al-Islamiy*, Qom: Islamic Publication Office affiliated to Qom Seminary Teachers Society, first edition, 2 volumes. (In Arabic)
  - Moghdisi, Yadullah, (2017) *Livelihood of Masooman*, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture, first edition. (In Persian)
  - Montazeri, Hossein Ali. (1988) *Al-Zakah Kitab*, Qom: Al-Makhez al-Alami for Islamic Studies, second edition. (In Arabic)
  - \_\_\_\_\_. (1988) *Studies in the Islamic state of jurisprudence and jurisprudence*, Jurisprudence, Qom: Nisfar Tasfar, second edition. (In Arabic)
  - Mousavi Bojanvardi, Seyyed Mohammad. (2000) *Science of principles*, Tehran: Arouj publishing house, first edition. (In Persian)
  - \_\_\_\_\_. (2004) "The role of Zakat in the system of government of the Islamic Revolution", *Matin magazine*, number 26. (In Persian)
  - Muhaqqiq al-Hilli, Jafar ibn al-Hasan. (1987) *Islamic Laws in Halal and Haram Issues*, Qom: Ismailian Institute, second edition. (In Arabic)
  - Muhaqqiq Karki, Ali bin Hossein. (1993) *Jami al-Maqasid fi Sharh al-Qasas*, 13 volumes, Al-Bayt Institute, peace be upon them, second edition. (In Arabic)
  - Najafi, Mohammad Hassan. (1984) *Jawaharlal Kalam in the Sharah of Islamic Laws*, Beirut: Dar Ahya Al-Trath al-Arabi, first edition. (In Arabic)
  - Najafi, Kashif al-Ghita, Hasan bin Jafar bin Khizr. (2001) *Anwar al-Fiqahah - Book of Zakat*, Najaf: Kashif al-Ghita Institute, first edition. (In Arabic)
  - Naraghi, Molly Ahmed bin Mohammad Mahdi. (1994) *Documentary Shi'a in Al-Ahkam al-Sharia*, Qom: Al-Bayt Institute, peace be upon them, first edition. (In Arabic)
  - Omid Zanjani, Abbas Ali. (1994) *Political Jurisprudence*, Tehran: Amir Kabir Publishing House, third edition. (In Persian)

- Qaraati, Mohsen. (2003) *Khums and Zakat*, Tehran: Lessons from the Qur'an Cultural Center, first edition. (In Persian)
- Qureshi Banabi, Seyyed Ali Akbar. (2005) *Qur'an Dictionary*, Tehran: Dar Al-Kitab al-Islamiya, 10th edition. (In Persian)
- Ravandi, Qutb al-Din, Saeed bin Abdullah. (1984) *Fiqh al-Qur'an* (edited and researched by Seyyed Ahmad Hosseini), Qom: Publications of Ayatollah Murashi Najafi Library, second edition. (In Arabic)
- Sobhani Tabrizi, Jafar. (2003) *Al-Zakah in the Islamic Law of Al-Ghara*, two volumes, Institute of Imam Sadiq, peace be upon him, Qom - Iran, first. (In Arabic)
- Seyyed Mortaza, Alam al-Hoda. (1984) *Rasaila al-Sharif al-Mortaza*, Qom: Dar al-Qur'an al-Karim, first edition. (In Arabic)
- Sahib bin Abad, Kafi al-Kafat, Ismail bin Abad. (1993) *al-Aqsir fi al-Lagh-ha*, Beirut: Alam al-Kitab, first edition. (In Arabic)
- \_\_\_\_\_. (2001) *Al-Islam Yaqud al-Hayyah*, Qom: Dar al-Sadr, first edition. (In Arabic)
- Shahid al-Thani, Zain al-Din bin Ali. (1992) *Masalak al-Afham to the revision of Sharia al-Islam*, Qom: Islamic Encyclopaedia Foundation, first edition. (In Arabic)
- Tabatabai Hakim, Seyyed Mohsen. (1970) *Mustamsk al-Arwa al-Waghqi*, Najaf: Al-Adab Press, third edition. (In Arabic)
- Tabatabaei Yazdi, Seyyed Mohammad Kazem. (1999) *Al-Arwa Al-Wathqi* (Taalig al-Kait Man al-Fiqha Al-Ohaha), Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation, first edition. (In Arabic)
- Tamimi Maghribi, Abu Hanifah, Noman Bin Mohammad. (1965) *Foundations of Islam*, Qom: Al-Bayt Institute, peace be upon them, second edition. (In Arabic)
- Tousi, Mohammad bin Hassan. (2013) *Al-Istbasar Fima Akhtolf Man Al-Akhbar*, Tehran: Dar Al-Kitab al-Islamiya, first edition. (In Arabic)
- \_\_\_\_\_. (2008) *Al-Massut in Imamate Jurisprudence*, Tehran: Al-Mor-